

تحلیل محتوای مؤلفه های درون فردی هوش هیجانی در کتب بخوانیم دوره تحصیلی ابتدایی با تاکید بر دیدگاه بار- آن

زهرا بهرامی فیل ابادی^۱، رضا عقیلی^۲

^۱ کارشناسی آموزش ابتدایی

^۲ مدرس دانشگاه فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری

چکیده

پژوهش حاضر در راستای تحلیل محتوای مؤلفه‌های درون فردی هوش هیجانی در کتب بخوانیم دوره تحصیلی ابتدایی با تاکید بر دیدگاه بار- آن (خودآگاهی هیجانی، جرأت مندی، خودتنظیمی، خودشکوفایی و استقلال) انجام شده است. روش تحلیل، مقوله ای (مؤلفه ای) بوده است. جامعه پژوهش، کلیه کتب آموزش قرآن دوره تحصیلی ابتدایی بوده و تمامی محتوای پنج کتاب قرآن مربوط به شش پایه دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گرفته اند. واحد تحلیل نیز اهداف کلی دروس بوده است. داده ها با استفاده از آمار توصیفی تحلیل شده اند. نتایج نشان داد؛ با افزایش حجم محتوای کتاب درسی، میزان توجه محتوا به عوامل درون فردی هوش هیجانی افزایش یافته است. میزان توجه به عامل خودشکوفایی و کمترین توجه به عامل جرأت‌مندی بوده است بنابراین به برخی از مؤلفه ها کمتر توجه شده است. با توجه به نظریه‌هایی همچون منطقه تقریبی رشد، پیشنهاد میشود تا حدی به همه مؤلفه های هوش هیجانی در هر پایه تحصیلی پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، تحلیل محتوا، کتاب فارسی، مؤلفه درون فردی، دوره ابتدایی.

مقدمه:

در نظام‌های آموزشی متمرکز کتاب‌های درسی از اهمیت بسیاری برخوردارند و تقریباً عوامل آموزشی بر اساس محتوای آن تعیین و اجرا می‌شود. کتب درسی به‌خاطر اهمیت زیادی که در تعیین محتوا و خط‌مشی‌های آموزش دارند کانون توجه بسیاری از دست‌اندرکاران آموزش و پرورش می‌باشد. در نظام آموزشی همیشه تغییر کتاب براساس اهداف مشخص و روشی نبوده بلکه در پاسخ به پیشنهادات و نظرات معلمان و مربیان آموزش بخشی از کتاب بوده است و همین امر مسئولان را واداشته است که برای تغییر کل محتوای کتب درسی دست به‌کار شود و وزارت آموزش و پرورش نیز با صرف هزینه‌ها و بودجه‌های فراوان این کار را انجام می‌دهد. لازم است کتب درسی به‌خصوص در دوران کلیدی ابتدایی دقیق و موشکافانه انتخاب و تدوین شوند تا بتوانند این‌گونه مهارت‌ها را در کودکان پرورش دهند. چرا که به اعتقاد بسیاری از محققان رشته‌های روان‌شناسی اجتماعی و شخصیت، رشد به‌هنگار و رشد کودک، شناخت، علم عصب‌شناسی، آسیب‌شناسی روانی، روان‌شناسی آموزش و پرورش و روان‌شناسی مدرسه توانایی افراد در تنظیم هیجان به محیط تحصیلی خاص آن‌ها ارتباط دارد. (مک‌لم، گایل ال ۱۳۹۰)؛ بنابراین محتوایی که انتخاب، طراحی و سازمان‌دهی می‌شود باید مبتنی بر اصول و قواعد، مبتنی بر نیازهای جامعه، برخاسته از فلسفه حاکم بر جامعه، براساس نیازسنجی و حاصل کاری تیمی و همه‌جانبه و همسو با آموزه‌های اخلاقی و اسلامی باشد و علاوه بر آموزش به بعد پرورشی نظام تعلیم و تربیت نیز پرداخته شود.

با توجه به نقش برجسته‌ی کتاب‌های قران در صورت‌بندی و شاکله‌سازی ذهنیت و تفکر کودکان مقطع ابتدایی، پژوهش‌های بنیادی و نظری در این حوزه، در شکل‌بخشی ذهن و زبان امیدهای آینده‌ساز ایران بسیار تاثیرگذار و راهبردی است. یکی از موضوعاتی که در علم روان‌شناسی و مطالعات و پژوهش‌های روان‌شناختی ماهیتی بحث‌برانگیز داشته و تعریف‌های متعدد از آن ارائه شده، موضوع هوش بوده است. در این میان، از تعریف وکسلر، مبدع آزمون‌های هوش، بیشتر استقبال شده است. وکسلر هوش را استعداد کلی شخص برای درک جهان خود و برآورده ساختن انتظارات آن می‌داند. بنابر این تعریف، هوش مجموعه‌ای از توانایی‌های فردی برای تفکر منطقی، برخورد مؤثر با محیط و اعمال هدفمند است. وکسلر تأکید می‌کند که هوش کلی را نمی‌توان با توانایی رفتار هوشمندانه، هر اندازه که به مفهومی گسترده تعریف شود، معادل دانست؛ بلکه باید آن را به عنوان جلوه‌های آشکار شخصیت، به‌طور کلی، تلقی کرد (پاشا شریفی، ۱۳۷۶: ۳۶). جی پی گیلفورد، یکی از پیشگامان نظریه‌ی چند خصیصه‌ای هوش، نیز معتقد است که هوش بستگی به چیزی دارد که ما درباره‌ی آن فکر می‌کنیم (کریمی، ۱۳۸۵: ۲۰۰). با این همه همان‌گونه که پیش از این آمد، ماهیت هوش به‌گونه‌ای است که نمی‌توان تعریفی دقیق از آن ارائه داد. به باور بعضی دیگر از روان‌شناسان مانند کلاپارد و اشترن، «هوش نوعی تطابق ذهنی با مقتضیات و موقعیت‌های جدید است و به اعتقاد کارل بوهرلر، هوش تنها با عملیات و تأثیرات ناگهانی توأم با ادراک، یعنی درک و فهم ناگهانی، ظاهر می‌شود.» (پیاز، ۱۳۷۵: ۳۵).

با وجود همه‌ی تعاریف مشترک و متناقض روان‌شناسان، می‌توان تعریف هوش را در سه گروه آموزشی، تحلیلی و کاربردی دسته‌بندی کرد و هر تعریف را متعلق به یکی از این سه گروه دانست (به‌پژوه و پرند، ۱۳۸۰: ۲۱۷)؛ اما در یک تعریف محسوس، انسان، پس از اندکی رشد، خود را در مقابل مشکلات زبون نمی‌خواهد و دست به‌امالی می‌زند که اگرچه بر پایه‌ی بازتاب و گزینه استوار هستند؛ با آن‌ها فرق دارند؛ مانند کودکی که برای دسترسی به جعبه‌ی شکلات از چهارپایه استفاده میکند. این دسته از حرکات و اعمالی که کمابیش جنبه‌ی اختراع و ابتکار دارند، ناشی از استعدادی خاص هستند که روان‌شناسان به آن هوش می‌گویند (سیاسی، ۱۳۴۱: ۴-۲۰). پس هوش موظف به فراهم آوردن وسایل و ابتکار (تکنیک) در مواجهه با شرایط دشوار است (پیاز، ۱۳۷۵: ۲۸).

هوش هیجانی به عنوان یک مؤلفه مهم در ساختار شخصیتی انسان قرار می‌گیرد. انگیزش، هیجان، شناخت و خودآگاهی به گونه خاصی در روانشناسی شخصیت به عنوان چهار جریان اصلی محسوب می‌شود که مبنای زیست‌شناسی شخصیت را تشکیل می‌دهند (اکبرزاده، ۱۳۸۳). در نظام‌های آموزش متمرکز کتاب‌های درسی از اهمیت بسیاری برخوردارند و تقریباً

عوامل آموزشی بر اساس محتوای آن تعیین و اجرا میشود. کتب درسی به خاطر اهمیت زیادی که در تعیین محتوا و خطمشی های آموزش دارند کانون توجه بسیاری از دست اندرکاران آموزش و پرورش میباشد. در نظام آموزشی همیشه تغییر کتاب بر اساس اهداف مشخصی و روشنی نبوده بلکه در پاسخ به پیشنهادهای و نظرات معلمان و مربیان آموزش بخشی از کتاب بوده است همین امر مسئولان را با آن واداشته است که برای تغییر کل محتوای کتب درسی دست به کار شود و وزارت آموزش و پرورش نیز با صرف هزینه ها و بودجه های فراوان این کار را انجام می دهد. لازم است محتوای کتب درسی بخصوص در دوران کلیدی ابتدایی دقیق و موشکافانه انتخاب و تدوین شوند تا بتوانند این گونه مهارتها را در کودکان پرورش دهند. چرا که به اعتقاد بسیاری از محققان رشتههای روانشناسی اجتماعی و شخصیت، رشد به هنجار و رشد کودک، شناخت، علم عصب شناسی، آسیب شناسی روانی، روان شناسی آموزش و پرورش و روان شناسی مدرسه، توانایی افراد در تنظیم هیجان به محیط تحصیلی خاص آنها ارتباط دارد (مک لک، ۱۳۹۰) بنابراین محتوایی که انتخاب، طراحی و سازماندهی می شود باید مبتنی بر اصول و قواعد، مبتنی بر نیازهای جامعه، برخاسته از فلسفه حاکم بر جامعه، بر اساس نیازسنجی و حاصل کاری تیمی و همه جانبه و همسو با آموزههای اخلاقی و اسلامی باشد و علاوه بر آموزش به بعد پرورشی نظام تعلیم و تربیت نیز پرداخته شود. این تحقیق با تحلیل محتوای کتب بخوانیم دوره ابتدایی به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا در طراحی محتوای کتابهای بخوانیم ابتدایی به عوامل هوش هیجانی توجه شده است یا نه. در نظام آموزش و پرورش ایران کتاب درسی شکلدهنده نحوه آموزش و نحوه ارزشیابی میباشد و فعالیت های آموزش رسمی در چهارچوب کتاب درسی صورت می گیرد. استفاده از مؤلفه های هوش هیجانی برای انجام تحلیل محتوا موضوع جدیدی است که می تواند راهگشای حل بسیاری از مشکلات برنامه ریزی درسی در دوره ابتدایی باشد.

بسیاری از مدرسه در این مورد ضعف دارند. بزرگترین مشکل حرفه ای ما این است که هیچگاه در مدارس نیاموختیم تا چگونه با هیجانات رفتار کنیم (مافیانی، ۱۳۸۸) اگر هوش هیجانی تا این اندازه مهم است، آیا بهتر نیست آموزش مؤلفه های آن به دانشآموزان و دانشجویان و دیگر افراد را شروع کنیم؟ بهترین تعریف هوش هیجانی هوش هیجانی که آن را این چنین تعریف می کند:

انتخاب هوشیارانه تفکر، احساس و عمل برای دستیابی (فردمن، ۲۰۰۵) به بهترین نتیجه در ارتباط با خود و دیگران است یکی از پایه ها و اساس های هوش هیجانی، خودشناسی است. مردم ما آنقدر که در رفتار دیگران مطالعه میکنند، در رفتار خود دقت نمی کنند. معلمان باید پی به نیروی هیجان ببرند و این که چگونه این نیرو میتوان د در به یادسپاری اطلاعات کمک کند. جزوه ها و کتابهای درسی پر از حقایق، قادر به تحریک هیجان در این گروه سنی نمی باشند. کودکان مدارس ابتدایی کنجکاو و آمادگی کشف دنیای واقعی هستند. فعالیتهای عملی، اجرای دوباره، بحث و گفتگو و فعالیتهای هنری گرایش به بهبود پیوندهای هیجانی با برنامه درسی دارند و ابزاری عالی برای ۶ سال است. کودکان مدارس ابتدایی میبایست قادر به انجام موارد زیر در رابطه با تمام جوانب آن باشند:

خودآگاهی: کودکان در این دوره سنی میبایست قادر باشند عواطف پایهای مانند شادی، غمگینی و خشم را با دقت نام ببرند. خودتنظیمی: انتظار داریم کودکان قادر به توصیف روند خلق و کار بسوی هدف خودشان باشند. آگاهی اجتماعی: از کودکان انتظار میرود که قادر باشند نشانه های کلامی، فیزیکی و موقعیتی این که دیگران چگونه احساس میکنند را شناسایی نمایند.

مهارتهای روابطی: کودکان میبایست قادر باشند روشهای دوستیابی و دوست نگه داشتن را توصیف کنند (مافیانی، ۱۳۸۸). از آنجا که معلم و برنامه و کتاب محورهای اساسی آموزش و یادگیری هستند و با توجه به آن که در بسیاری از موارد کتاب درسی تنها وسیله ی آموزشی است که در اختیار معلم و دانش آموز قرار دارد و فرایند تدریس و یادگیری صرفاً به اتکای محتوای برنامه و مفاهیم و ارزشهای مطرح شده در آن صورت میپذیرد و نیز از آنجایی که ارزشیابی های تحصیلی امتحانات متعدد بر اساس محتوای کتاب درسی و برنامه آموزشی مربوطه صورت می پذیرد، نقش کتاب به عنوان محتوای برنامه آموزشی بسیار مهم تلقی میشود و جای تعمق و بررسی و تتبع فراوان دارد. بازنگری، تجدیدنظر و اصلاح محتوای کتاب های درسی

زمینه های رشد و تکامل برنامه ریزی درسی و به تبع آن رشد و بهبود و پیشرفت تحصیلی را بدنبال خواهد داشت (رحیم نژاد، ۱۳۷۷).

کتاب های درسی منبع بسیار خوبی برای انتقال مفاهیم برنامه درسی و اصلی ترین و مهم ترین منبع یادگیری در نظام های آموزشی محسوب می شوند (دوگ بی، ۲۰۱۰). هدف آموزش و پرورش فقط تعلیم مجموعه ای از دروس در قالبی خاص نیست. بلکه رشد و پرورش روحی، روانی و عاطفی متربی بعد گسترده و مهمی از آن را شامل می شود. طولانی بودن دوران تحصیل و نیز حساسیت بالای دوره ابتدایی بر اهمیت این مطلب میافزاید. با آگاهی بر نقش و اهمیت کتاب درسی در پیشرفت امر آموزش و با توجه به تغییر نظام آموزشی در سال های اخیر ضرورت دارد تا به بررسی کتاب های درسی و تحلیل محتوای آنها پرداخته شود و در این میان بررسی محتوای کتابهای فارسی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

روش پژوهش

هدف تحقیق، تحلیل محتوای مؤلفه های درون فردی هوش هیجانی در کتب بخوانیم دوره تحصیلی ابتدایی با تاکید بر دیدگاه بار آن (خودآگاهی هیجانی، جرأت مندی، خودتنظیمی، خودشکوفایی و استقلال) انجام شده است. روش بررسی در این پژوهش با تکنیک تحلیل کیفی محتوا صورت گرفته است. برای تحلیل محتوا مراحل مختلفی طی می شود. از جمله این مراحل می توان سه مرحله عمده زیر را ذکر کرد:

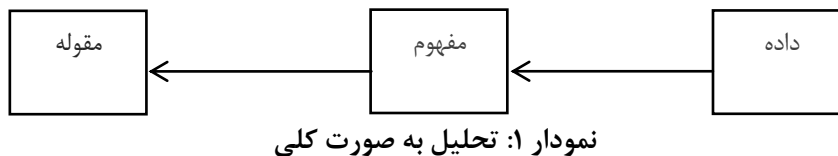
۱. مرحله قبل از تحلیل (آماده سازی و سازماندهی)

۲. بررسی مواد (پیام)

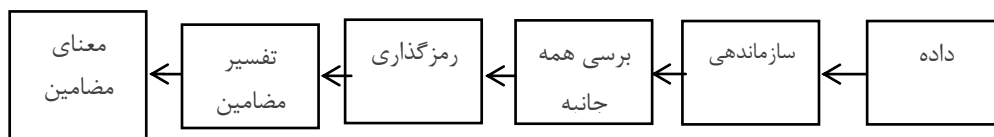
۳. پردازش نتایج (الوانی و همکاران، ۱۳۸۸)

۴. تجزیه و تحلیل داده ها

به این منظور از نمودار زیر در تحلیل به صورت کلی استفاده شده است



همچنین از نمودار زیر با جزئیات نشان دهنده تحلیل در روش کیفی است



نمودار ۲: جزئیات نشان دهنده تحلیل در روش کیفی

به صورت ویژه این روش دارای سه شکل کد گذاری متوالی و وابسته به هم است که عبارتند از کد گذاری باز: یافتن مقولات مفهومی-کدگذاری محوری: شامل ارتباط بین مقوله ها- کد گذاری انتخابی: شامل مفهوم سازی ارتباط در سطح بالاتر. از این رو ابتدا بعد از کد گذاری کدهایی که دارای مفهوم مشابهی هستند دارای یه عنوان می شوند و سپس مولفه های حاصل که ارتباط نزدیک تری با هم دارند در قالب بعد در کد گذاری انتخابی مشخص می گردند.

نوع تحقیق حاضر توصیفی و از نظر هدف کاربردی است. «در تحقیق توصیفی، در پی توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موضوع هستیم و قصد هیچگونه دخالت یا استنتاج ذهنی از داده ها را نداریم، بلکه قصد نشان دادن وضعیت موجود است»

(دلور، ۱۳۸۰) این مقاله به تحلیل محتوای مقوله‌ایی (مؤلفه‌ای) پرداخته است. جامعه آماری، کتاب‌های بخوانیم دوره تحصیلی ابتدایی در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ هستند. جهت بررسی آماری و تلخیص داده‌ها، از آمار توصیفی شامل: طبقه‌بندی و توزیع فراوانی‌ها و درصد استفاده شد و با استفاده از جدول و نمودار نمایش داده شده است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱: مؤلفه‌های هوش هیجانی در کتاب بخوانیم دوم ابتدایی

استقلال	خودشکوفایی	حرمت نفس	جرأت‌مندی	خودآگاهی	
۱	۱	۲	۳	۲	فراوانی عامل در درس
۵	۵	۱۰	۱۵	۱۰	درصد فراوانی عامل در کتاب
۱۱/۱۱	۱۱/۱۱	۲۲/۲۲	۳۳/۳۳	۲۲/۲۲	درصد فراوانی عامل در رابطه عرضی
۲۵	۷/۶۹	۱۸/۱۸	۳۰	۱۶/۶۶	درصد فراوانی عامل در رابطه طولی

جدول ۲: مؤلفه‌های هوش هیجانی در کتاب بخوانیم سوم

استقلال	خودشکوفایی	حرمت نفس	جرأت‌مندی	خودآگاهی	
۱	۴	۳	۳	۱	فراوانی عامل در درس
۵	۲۰	۱۵	۱۵	۵	درصد فراوانی عامل در کتاب
۸/۳۳	۳۳/۳۳	۲۴/۹۹	۲۴/۹۹	۸/۳۳	درصد فراوانی عامل در رابطه عرضی
۲۵	۳۰/۷۶	۲۷/۲۷	۳۰	۸/۳۳	درصد فراوانی عامل در رابطه طولی

جدول ۳: مؤلفه‌های هوش هیجانی در کتاب بخوانیم چهارم

استقلال	خودشکوفایی	حرمت نفس	جرأت‌مندی	خودآگاهی	
۰	۳	۳	۲	۲	فراوانی عامل در درس
۰	۱۵/۷۸	۱۵/۷۸	۱۰/۵۲	۱۰/۵۲	درصد فراوانی عامل در کتاب
۰	۳۰	۳۰	۲۰	۲۰	درصد فراوانی عامل در رابطه عرضی
۰	۳۰/۷۶	۲۷/۲۷	۲۰	۱۶/۶۶	درصد فراوانی عامل در رابطه طولی

جدول ۴: مؤلفه‌های هوش هیجانی در کتاب بخوانیم پنجم

استقلال	خودشکوفایی	حرمت نفس	جرأت‌مندی	خودآگاهی	
۱	۳	۲	۱	۲	فراوانی عامل در درس
۵/۸۸	۱۷/۶۴	۱۱/۷۶	۵/۸۸	۱۱/۷۶	درصد فراوانی عامل در کتاب
۱۱/۱۱	۳۳/۳۳	۲۲/۲۲	۱۱/۱۱	۲۲/۲۲	درصد فراوانی عامل در رابطه عرضی
۲۵	۳۰/۷۶	۱۸/۱۸	۱۰	۱۶/۶۶	درصد فراوانی عامل در رابطه طولی

جدول ۵: مؤلفه‌های هوش هیجانی در کتاب بخوانیم ششم

استقلال	خودشکوفایی	حرمت نفس	جرأت‌مندی	خودآگاهی	
۱	۲	۱	۱	۵	فراوانی عامل در درس
۶/۲۵	۱۲/۵	۶/۲۵	۶/۲۵	۳۱/۲۵	درصد فراوانی عامل در کتاب
۱۰	۲۰	۱۰	۱۰	۵۰	درصد فراوانی عامل در رابطه عرضی
۲۵	۱۵/۳۸	۹/۰۹	۱۰	۴۱/۶۶	درصد فراوانی عامل در رابطه طولی

بحث و نتیجه‌گیری:

به طور کلی در کتب بخوانیم مورد تحلیل در هر شش پایه ابتدایی، عامل خودآگاهی هیجانی بیشترین فراوانی را نسبت به دیگر عوامل مؤلفه درون فردی داشته است و نقش پر رنگ تری دارد. اگر بخواهیم مؤلفه‌های درون فردی هوش هیجانی را بر اساس بیشترین میزان توجه به ترتیب اولویت بندی کنیم، کتابهای بخوانیم دوم و سوم ابتدایی به مؤلفه‌های خودآگاهی هیجانی، خودشکوفایی، استقلال، حرمت نفس و در نهایت جرأت‌مندی اهمیت قائل شده‌اند. در صورتی که قصد رتبه بندی کتابها را داشته باشیم، به ترتیب، کتاب بخوانیم پایه پنجم، ششم، چهارم، سوم، دوم و اول بیشتر به مؤلفه‌های موردنظر پرداخته‌اند.

مجموع کل واحد ضبط ۹۲ واحد می‌باشد. با توجه به افزایش تراکمی حجم کتاب درسی در هر پایه تحصیلی میزان توجه محتوا به عوامل درون فردی هوش هیجانی نیز افزایش می‌یابد.

منابع

۱. احمدی، حسن و محسن خورشیدزاده. (۱۳۸۷). «هوش هیجانی». روزنامه‌ی آفرینش، مورخ ۶ تیر، ص ۸
۲. بازان، تونی. (۱۳۸۶). قدرت هوش اجتماعی. ترجمه‌ی افسانه اسدی، تهران: پایان.
۳. به‌پژوه، احمد و اکرم پرنده (۱۳۸۰). «هنجاربایی آزمون خوش ویلیامز برای کودکان با نارسایی بینایی». مجله‌ی روان-شناسی، شماره ۱۹، صص ۲۱۶-۲۳۰.
۴. پاشا شریفی، حسن. (۱۳۷۶). نظریه و کاربرد آزمون‌های هوش و شخصیت. تهران: سخن.
۵. پیازده، ژان. (۱۳۵۷). روان‌شناسی هوش. ترجمه‌ی حبیب‌الله ربانی، تهران: صفی‌علی‌شاه.
۶. دلاور، علی (۱۳۸۰). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی تهران، انتشارات رشد.
۷. رحیم‌نژاد، رضا (۱۳۷۷) بررسی و تحلیل محتوای کتابهای ریاضی سوم راهنمایی، اول متوسطه نظام پایان نامه، جدید از حیث ارتباط عمودی محتوا کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران
۸. سلگی، زهرا و احمد علی‌پو. (۱۳۹۱). «مقایسه‌ی هوش اجتماعی و هوش هیجانی دانشجویان با توجه به دست‌برداری آن‌ها». فصلنامه‌ی روانشناسی کاربردی، سال ۶، شماره ۴، صص ۱۰۳-۱۱۹.
۹. فتحی‌واجارگاه، کوروش (۱۳۸۸). اصول و مفاهیم اساسی برنامه ریزی درسی. تهران، بال.
۱۰. کریمی، یوسف. (۱۳۸۵). روان‌شناس تربیتی. تهران: ارسباران.
۱۱. کریمی، یوسف. (۱۳۸۸). هوش اجتماعی. ترجمه‌ی هوشیار رزم‌آزما، تهران: سپنج.
۱۲. گلمن، دانیل. (۱۳۸۶). هوش هیجانی. ترجمه نسرين پارسا، تهران: رشد.
۱۳. مافینی، هلن و شهناز بهمن (۱۳۸۳). پرورش هوش هیجانی کودکان. ترجمه حسن رستگارپور، تهران: گاجملکی، حسن (۱۳۸۷). کتاب درسی، طراحی و تألیف. تهران، دانشگاه علامه طباطبایی. چاپ اول.
۱۴. مکلم، گایل ال (۱۳۹۰). تنظیم هیجان کودکان. ترجمه احمدرضا کیانی و فاطمه بهرامی، تهران: کتاب ارجمند (با همکاری انتشارات ارجمند و نسل فردا)، چاپ اول. تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۷
۱۵. ملکی، حسن (۱۳۸۸). برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)، ویرایش ۷ مشهد، پیام اندیشه.
۱۶. نوربان، محمد (۱۳۸۱). راهنمای عملی تحلیل محتوای رسانه‌های آموزشی. انتشارات آموزش امیر، چاپ اول.
۱۷. الوانی، سید مهدی، آذر، عادل و دانایی فرد، حسن. (۱۳۸۸). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: اشراقی.

18. Dogbey, J. K. (2010). "Concepts of variable in middle-grades mathematics textbooks during four eras of mathematics education in the United States". Graduate School Theses and Dissertations.
19. Freedman, J. and Jensen, A. (2005). EQ Trainer Certification Manual. San Mateo, CA: SixSeconds.
20. Mayer, J. D. (2001) A field guide for emotional intelligence. In J. Ciarrochi., J. P. Forgas., & J.D. Mayer (Eds.), emotional intelligence in everyday life. New York: Psychology Press pp. 3-24.

21. Golman, D. (1995). Emotional intelligence. New York: Bantam Books.
22. Schutte, N., & Malouff, J. (2001). The relationship between emotional intelligence and interpersonal relations. *Journal of Social Psychology*, 104: 514-523.
23. Bjorkqvist, K., et al. (2002). "Social intelligence- empathy = aggression? Aggression and violent Behavior, 5, pp. 191-200.

A Content analysis of the Intrapersonal Components of Emotional Intelligence in Farsi Reading Textbooks of Primary Education in Iran with an Emphasis on Bar-On's view

Zahra Bahrami Filabadi¹, Reza Aghili²

1. *Bachelor of Elementary Education*

2. *Lecturer of Farhangian University of Chaharmahal & Bakhtiari Province*

Abstract

The present study aims at a content analysis of the intrapersonal components of emotional intelligence in the Farsi Reading Textbooks of primary education with an emphasis on Bar-On's view (emotional self-awareness, assertiveness, self-control, self-efficacy, and independence). A category (component) analysis method has been used in this study. The study population consists of all Quran Textbooks of the elementary education in Iran and all contents of the five Qur'an Textbooks related to six elementary grades have been analyzed in this research.

The unit of analysis has been the general objectives of the textbooks' lessons. The data were analyzed using descriptive statistics. The results showed that an increase in the content of the textbooks has been followed by an increase in the content attention to the intrapersonal factors of emotional intelligence.

Self-efficacy and assertiveness have received the lowest attention in the textbooks. Therefore, some of the components have been neglected in these textbooks. With regard to theories such as the zone of proximal development, it is recommended that all components of emotional intelligence be addressed at each educational level.

Keywords: emotional intelligence, content analysis, Farsi Textbook, intrapersonal component, elementary education.
